

21A-V88109

دوفہ

Digitized by srujanika@gmail.com

## آدولف ہ.

اریک - امانوئل اشمیت

محمد همتی

ویراستار: علی عبد‌اللهی

لحظه‌ای که مسیر جهان را تغییر داد

«آدولف هیتلر: مردود!»  
حکم چون خطکشی پولادی بود که بر دست کودکی فرود آمده باشد.  
«آدولف هیتلر: مردود!»

کرکره پایین کشیده شد. تمام. خوش آمدی. خدا روزیات را جای دیگری  
بدهد. بیر ون.

هیتلر نگاهی به دور و برش انداخت. فوجی از مردان جوان - با چهره‌هایی سرخ شده تا بناگوش، دندان‌هایی به هم فشرده، قامت‌هایی کش آمده، ایستاده بر نوک پیجه‌ها، زیر بغل‌ها در ازدحام جمعیت خیس عرق - چشم به دهان سرایداری دوخته بودند که سرنوشت‌شان را رقم می‌زد. کسی حواسش به او نبود. هیچ تباينه‌ای دامنه‌ی یارمده‌ای آنچه را که همین چند لحظه پیش اعلام شد، درنیافته بود؛ فاجعه‌ای که بر یکسر سرای اکادمی هنر لرزه انداخته بود، انفجاری که می‌رفت تا جهان را نابود کند آدولف هیتلر مردود.

هیتلر با دیدن چهره‌های خونسرد و بی تفاوت اطرافش، گمان کرد اشتباه شنیده است. درد دارم. دشنه‌ای سرد از سینه تا دل و روده‌ام را شکافت، خون از تنم سرازیر شده، و کسی عین خیالش نیست؟ هیچ کس سرنوشت شومی که مرا زیر پایش له سی گشته، نمی‌بیند؟ یعنی این همان دنیا بی است که با دیگران در آن زندگی می‌کنم؟